

## نگاهی به تاریخچه جمعیت‌ها و احزاب سیاسی در ایران (از ابتدا تا ۱۳۲۰ ه. ش.) (اولین تجربه‌های حرکت‌های متشکل سیاسی از طلوع تا افول)

سید محمد طاهانی  
گروه علوم سیاسی

با اینکه احزاب سیاسی در ایران زائیده نظام پارلمانی، و مجلس یا پارلمان نیز مولود انقلاب مشروطه بوده است، اما سیر پیدایی این احزاب به زمانی دورتر از قیام مشروطه و به اواخر سلطنت ناصرالدین شاه باز می‌گردد. روش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شکل نخستین این احزاب به دستجات و انجمن‌های مخفی می‌رسد که با هدف سیاسی با حکومت وقت مبارزه می‌کردند، اما غالباً جایگاه و خاستگاه این انجمن‌ها، طبقات پائین و افراد تهی‌دست جامعه نبود بلکه در محدوده اعیان و اشراف و طبقات متوسط رو به بالای جامعه دور می‌زد. شعار این مجامع، اصلاحات و ترقی در تمام شئون اجتماعی بود که برای رسیدن به این مقصود در جلب علما و بازرگانان تلاش می‌کردند.

عقیده برخی بر این است که در ایران به واسطه اختناق حکومت، تنها حرکت‌های سیاسی در قالب انجمن‌های مذکور، که طبیعتاً سری هم بودند، صورت می‌پذیرفت و سرانجام، به ایجاد انقلاب توفیق حاصل کردند. اما به شهادت تاریخ، اولین حرکت‌های سیاسی (و حتی اسلامی مردم ایران در قرون جدید) بر ضد استبداد حاکم، قیام تنباکو به رهبری آیت الله میرزا حسن شیرازی بود که هم به

ساختار سیاسی رژیم و هم به سیستم سیاسی ابرقدرتها ضربه وارد ساخت و به مردم این اعتماد به نفس و خود آگاهی را داد که می‌توان علیه رژیم مستبدی که از جانب ابرقدرتهای زمان حمایت می‌شود در سطح وسیعی قیام کرد و به اقتدار و شخصیت آن، خدشه وارد ساخت و همین امر (اسلامی بودن حرکت‌های سیاسی) بعدها به تحركات سیاسی انجمنها مشروعیت بخشید و در جلب اعتماد عموم مؤثر افتاد.

با هجوم بوژروازی استعماری غرب به سرمایه‌های ملی و حمایت روزافزون و در عین حال زیونی نظام مستبد ناصرالدین شاهی و جانشینان او در مقابل نفوذ استعمارگران، تمامی سرمایه‌ها و منابع و ذخائر مملکت یکی پس از دیگری با امتیازات دراز مدت در اختیار بیگانگان قرار می‌گرفت و مردم مسلمان که در این هجوم گسترده به فرهنگ، سیاست، اقتصاد و تمام شئون اجتماعی، خود را تنها می‌دید و حکومت را دست‌نشاندهٔ ایشان، لذا در تحت عناوین مختلف و کانالهای گوناگون اعم از ایجاد شرکت‌های تجاری، صنعتی با سرمایه‌های داخلی با ایجاد دستجات و انجمنهای مخفی به جلوگیری از بسط نفوذ بیگانگان و استبداد داخلی برآمدند.

حوزه علمیه نجف نیز به آرامی و با تیزی اوضاع را زیر نظر داشت و علما در مواقع لزوم علیه استعمارگران بویژه در زمینه نفوذ اقتصادی که تمام جوانب اجتماع را تحت الشعاع قرار می‌داد، بیانیه و فتوایی به حمایت از مردم صادر می‌کردند. اما این تحركات مقطعی و محدود بود و انسجام و تشکلی نداشت.

قبل از مشروطه فعالیت‌های سیاسی متشکل، در قالب برخی انجمنها و دوره نشینی‌ها که هر هفته یا هر دو هفته یکبار در خانه یکی از منتفذان برگزار می‌شد و از ۱۵ نفر نیز تجاوز نمی‌کرد، خلاصه می‌شد. در این مقاله سعی شده سیر پیدایی و رشد و رکود جمعیت‌های یکپارچه‌ای که دارای اساسنامه و مرامنامه (گرچه به تقلید دیگران) و نیز جهت‌گیری مشخص سیاسی بودند توضیح داده شود.

## انگیزه‌های گروه‌گرایی در اواخر عهد قاجار

۱- ظلم و ستم رژیم و فقر فاقه عمومی، به همراه دیوان‌سالاری عریض و طویل باعث شد که بعضی افراد در جهت اصلاح وضع موجود یا در نهایت سرنگونی حکومت وقت در این انجمنها شرکت جویند.

۲- فساد سیستم حکومتی و باندبازی برای ارضای منافع شخصی، ارتشا، پارتی‌بازی و

گروه‌گرایی و... که نتیجه هرج و مرج و نظام استبدادی بود، سبب این شد که تعدادی از دولتمردان و شاهزاده‌ها با تشکیل و یا شرکت در این انجمنها یک مبارزه خزانده علیه مخالفان خود و در جهت منافع شخصی با شعارهای عوام پسندانه و اصلاح طلبانه، صورت دهند.

۳- قدرتهای خارجی نیز به منظور راندن رقیبان خود و یا دستیابی به مراکز حساس قدرت و یا تغییر اوضاع به نفع خویش در ایجاد و یا نفوذ در انجمنهای سیاسی و سری تأثیری بسزا داشتند؛ به عنوان مثال، انگلستان که از طریق تعدادی از شاگردان قدیمی مدارس نوین (از جمله دارالقنون) محصلانی برای ادامه تحصیل به خارج سفر کرده‌اند و شاهدگان مخالف و نیز تعداد اندکی از دیگر طبقات متنفذ جامعه در لژهای فراماسونری (که به نوبه خود انجمنهای سیاسی محسوب می‌شوند)، در القای سیاست خود می‌کوشید و غالباً همین افراد بودند که رهبران آینده مشروطیت نیز شدند.

### سیر تشکیل احزاب

الف: قبل از مشروطه: پیش از قیام مشروطه به سه انجمن برمی‌خوریم که در مقیاس با همتای خود، از اهمیت بیشتری برخوردارند. باید توجه داشت که در زمان مظفرالدین شاه آزادی نسبی بیشتر شد و تعدادی انجمن مخفی در جهت محدود کردن قدرت شاه و دیگر انگیزه‌های سیاسی بوجود آمده بود.

۱- انجمن فراموشخانه: این مجمع توسط میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله در سال (۱۲۷۶ ه. ق. / ۱۸۵۸ م.) که شاخه مستقلی از فراماسونری گرانداوریان (شرق اعظم) فرانسه به شمار می‌آمد تشکیل گردید و جمعی از رجال درباری را به خود جلب کرد. سعی این انجمن مخفی تبلیغ افکار و نظریات حکومتی و اجتماعی غرب بود.

با روشن شدن جنبه سیاسی فراموشخانه برای ناصرالدین شاه و اعمال مرموز آن، شاه دستور قذغن بودن آن را در سال (۱۲۷۸ ه. ق. / ۱۸۶۱ م.) داد. گفته می‌شود در این انجمن صحبت از جمهوری نیز شده بود.

ملکم اعضای این انجمن را حزب الله می‌نامید در نزدیک ساختن علما به خود می‌کوشید. پس از انحلال فراموشخانه و اخراج میرزا ملکم از ایران توسط جمعی از اعضا و بخصوص عباسقلیخان آدمی، این جلسات با عنوان مجمع آدمیت به شکل مخفی ادامه پیدا کرد و جزوه اصول آدمیت و نیز کتابچه حقوق اساسی افرادی که هر دو نوشته ملکم بود، مرامانه انجمن مزبور را شامل می‌شد.

ملکم بعداً به وساطت میرزا حسین خان سپهسالار (که از هواخواهان وی بود) در سال (۱۲۸۸ ه. ق. / ۱۸۷۱ م.) به تهران بازگشت و پس از دو سال سفیر ایران در لندن شد. در سال (۱۳۰۶ ه. ق. / ۱۸۸۸ م.) در یک جریان اختلاس و کلاهبرداری توانست امتیاز بخت آزمایی (لاتاری) را از ناصرالدین شاه بگیرد و با لورفتن آن، از سفارت عزل شد. ملکم همچنین در لندن، به انتشار روزنامه‌ای به نام قانون بر ضد رژیم ناصری دست زد. افکار سیاسی و اجتماعی او از این طریق در بسیاری از روشنفکران غربزده تأثیر داشته است.

۲- انجمن مخفی: توسط سید محمد طباطبایی در سال (۱۳۲۲ ه. ق. / ۱۹۰۴ م.) تأسیس شد. شده این انجمن دارای مرامنامه بود و همزمان با جریانات مشروطه حالتی تندرو به خود گرفت. افراد آن را فدایی می‌گفتند. آنها در راه ایجاد عدالت خانه و مجلس قسم خورده بودند و سعی ایشان ایجاد اتفاق نظر و تفاهم بین دو مجتهد بزرگ تهران سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی بود. از اعضای معروف آن ناظم الاسلام کرمانی، میرزا حسن رشیدی، مؤیدالاسلام کرمانی و میرزا آقا اصفهانی (وی بعداً وکیل شد و به مجاهد نیز معروف بود) هستند. سید محمد طباطبایی به جهت اینکه استقلال بیشتری در عمل داشته باشد با عده‌ای از اعضاء انجمن خود، مجمعی دیگر به نام انجمن مخفی ثانی تشکیل داد اما چندان اهمیتی نداشت.

۳- انجمن ملی: این انجمن در محرم (۱۳۲۲ ه. ق. / ۱۹۰۴ م.) با ۶۰ نفر عضو توسط ملک‌المتکلمین و عده‌ای دیگر به شکل مخفی و به منظور ایجاد هماهنگی بین گروه‌های سیاسی تشکیل شد. این گروه نیز مدعی ایجاد همفکری بین سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی بود و حتی یک نفر خان و یک نفر زرتشتی نیز در این انجمن عضویت داشتند.<sup>۱</sup> از اعضای معروف این انجمن می‌توان افراد ذیل را نام برد:

میرزا جهانگیرخان مدیر روزنامه صوراسرافیل - سید محمد رضا مساوات مدیر روزنامه مساوات - ملک‌المتکلمین و سید جمال واعظ که از جمله سخنرانان نافذ و مبارز بودند و بالاخره، دهخدا. این موضوع قابل توجه است که دو انجمن اخیر (انجمن ملی و انجمن مخفی) داعیه احزاب سیاسی را نداشتند و بعد از اعطای مشروطه و تشکیل مجلس به فعالیت خود ادامه ندادند و حتی شمار بسیار اندکی از اعضای آنها وارد مجلس شدند.

انجمن ملی به هنگام قیام و مدتی پس از آن به جهت حمایت و پشتیبانی از مجلس، کمیته‌ای ۹ نفره به نام کمیته انقلاب تشکیل داد که این عده یک کمیته مرکزی ۵ نفره نیز از میان خود انتخاب کردند.

### ب: حرکت‌های سیاسی بعد از مشروطه

بعد از اعطای فرمان مشروطه و تشکیل مجلس، طبق مصوبه قانون به دو دسته انجمن

برمی‌خوریم:

۱- دولتی: که شامل انجمن‌های ایالتی (۶ نفر) و انجمن‌های ولایتی (۱۲ نفر) می‌شد. وظایف این انجمنها نظارت بر امر انتخابات و انجام آن و همچنین رسیدگی به شکایات و جمع‌آوری مالیات بود.

۲- غیر دولتی:

الف: انجمنها و احزاب سیاسی که از ۱۰۰ تا ۲۰۰ عدد نام برده‌اند.

ب: انجمن‌های صنفی، هریک از اهالی شهرها، اصناف و گروه‌ها می‌توانستند انجمن صنفی داشته باشند مانند انجمن آذربایجانیه، کفاشها، قصابها و... این انجمنها چون غالباً ایدئولوژی مشخصی نداشتند بعدها بازیه دست فرصت طلبان و منفعت جویان و مورد بهره‌برداری سیاسی آنها قرار گرفتند.

### جهت‌گیریهای سیاسی در مجلس اول:

مجلس اول با ۱۶۲ نماینده از شهرهای مختلف به مدت ۲ سال از ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ ه. ق. (۱۹۰۶ م.) تا ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ ه. ق. (۱۹۰۸ م.) تشکیل گردید. طرز انتخاب بر اساس اصول طبقاتی شامل شاهزادگان، اعیان، علما، تجار، اصناف، ملاکین و فلاحین بود. البته هر طبقه مجاز بود نمایندگانی از طبقات دیگر هم انتخاب کند.

اساساً طبقه به آن مفهومی که در اروپا مرسوم بود در ایران مصداق نداشت، اما چون قانون اساسی مشروطه از روی قانون بلژیک که به آن (شارتر) می‌گفتند و آن نیز از قانون ۱۷۸۹ فرانسه اقتباس و نسخه‌برداری گردیده بود، لذا همان اشکالات به قانون مشروطه ایران هم منتقل شد بخشی از علل برخوردهای سیاسی بین شاه و مجلس، که به بستن مجلس انجامید، به سبب نقص قانون نیز

بوده است. کتاب «پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت» به تفصیل در مورد تقایص قانون اساسی مشروطه توضیح داده، آنها را ریشه‌یابی کرده است. در مجلس اول حزبی تشکیل نشد، ولی رفته رفته منافع و مواضع سیاسی دستجات مشخص گردید.

نمایندگان مجلس اول از نظر تمایلات سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شدند.

الف: اعتدالیها که شامل بیشتر رهبران نهضت قبل از صدور فرمان مشروطیت بودند.

ب: افراطیها که تا اندازه‌ای تحت تأثیر حزب اجتماع‌یون عامیون قفقاز، که بعداً توضیح خواهیم داد، قرار داشتند.

باید توجه داشت که تقسیم وکلا به آزادیخواه (افراطی) یا اعتدالیها، اساس طبقاتی نداشت و ناشی از تضاد طبقاتی نیز نبود. وکلای انجمن آذربایجان در رأس افراطیها قرار داشتند، رهبران این انجمن به ترتیب تقی‌زاده و حیدر عمواوغلی بودند و بواسطه مخالفت‌های محمد علی‌شاه با مجلس، طرح ترور او از جانب انجمن به اجرا درآمد و به طرف کالسکه شاه بمب دستی پرتاب شد که مؤثر واقع نشد. این واقعه به دشمنی بین شاه و مجلس افزود و در نتیجه مجلس اول (با حمایت روسیه و سکوت انگلیس) به توپ بسته شد.

لازم به تذکر است که این مسأله و نیز اشتغال آذربایجان از لحاظ بین‌المللی نتیجه مستقیم قرارداد

۱۹۰۷ بود.

قبل از انحلال مجلس هنگامی که محمد علی‌شاه به باغ شاه تغییر مکان می‌داد و خود را آماده یورش به مجلس می‌کرد، برخی از وکلای افراطی این تهدید را دریافتند و به وسیله هواداران خود با ابزار و براق و اسلحه به سنگ‌سازی در محوطه مجلس پرداختند. کسروی در تاریخ مشروطیت، واقعه روز ۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ ه. ق. (۱۹۰۶ م.) (یعنی ۱۵ روز قبل از تخریب مجلس) جنب و جوش انجمنها را این گونه بیان می‌کند:

«نیک اندیشید که در یک شهر ۱۸۰ انجمن چه معنی دارد؟ بجای آنکه همگیشان یک

انجمن باشند و آنگاه به آمادگی‌هایی کوشند، هر گروهی برای خود انجمنی می‌ساختند و

از کوشش به هیاهوی بس می‌کردند»

وی سپس ادامه می‌دهد:

«انجمنهای تهران بجوش و جنب پرداخته، باز به مدرسه سهسالار آمدند. نخست انجمن شاهآباد که از انجمنهای بزرگ و بنام می بود با افزار جنگ ورده و شکوه آمد و سپس انجمنهای دیگری از این پیروی نمودند و هر انجمنی یکی از حجره‌ها را گرفته لوحه خود را بر در آن آویخت.»

روزنامه مجلس می نویسد:

«یکصد و هشتاد لوحه بشمار آمد. از این توان دانست که چه انبوهی در میان بوده ...»

### تفکرات و احزاب سیاسی در مجلس دوم:

در این مجلس نمایندگان ۱۲۰ نفر بودند و طرز انتخاب ایشان به طور دو درجه و غیر مستقیم بود، مدت نمایندگی از ۲ ذی‌القعده ۱۳۲۷ ه. ق. تا سوم محرم ۱۳۳۰ ه. ق. بوده است که در نتیجه اولتیماتوم روس بواسطه درخواست اخراج وزیر مالیه (شوستر آمریکایی) بسته شد. دستجات و احزاب درون مجلس

- ۱ - حزب دموکرات عامیون (یا اجتماعيون عاميون یا انقلابی)
- ۲ - حزب اجتماعيون اعتداليون یا اعتدالی
- ۳ - حزب اتفاق و ترقی (این حزب از اهمیت کمتری برخوردار بود و گاهی با دیگران ائتلاف می‌کرد و ارگان چاپی آن روزنامه استقلال ایران بود).

قبل از اینکه به احزاب درون مجلس دوم بپردازیم بهتر است وضعیت احزاب سیاسی مخالف با روسیه تزاری را که در این مورد مؤثر واقع شدند، توضیح دهیم. بعد از قیام سوسیالیستی نافرجام ۱۹۰۵ روسیه، سوسیال دموکراتهای روس (بلشویکها) در پی فعالیتهای سیاسی خود توسط عده‌ای از رهبران بلشویک از جمله استالین و عزیز بیکف و زاپارادزه، جهت اقلیت مسلمان روسیه در قفقاز حزبی بنام همت با اهداف زیر تشکیل دادند.

- ۱ - ایجاد حلقه واسطه بین ایرانیان مهاجر با سوسیال دموکرات روسیه.
  - ۲ - استفاده از امکانات ایرانیان و ایران بویژه برای تدارکات مطبوعاتی، مالی و نظامی.
- باید توجه داشت که منطقه قفقاز مرکز روشنفکران روسیه تزاری بود، استالین و لنین نیز اهل

قفقاز بودند. در ثانی قفقاز جزء مناطق صنعتی بخصوص صنعت تازه و توسعه یافته نفت بشمار می‌رفت. مردم آذربایجان نیز، هم به دلیل قرابت قومی و مذهبی و هم به واسطه اشتغال بکار (در صنایع نفت باکو و دیگر شهرهای قفقاز) از دیر زمانی بود که به این منطقه رفت و آمد و مهاجرت می‌کردند. در ۱۹۰۳، ۲۲/۲٪ کارگران صنعت نفت ماکو ایرانی بودند. در ۱۹۰۴ روسها ۷۱۴۰۰ جواز ورود به خاک روسیه صادر کردند و سرانجام، در ۱۹۰۵ تعداد کارگران ایرانی در منطقه قفقاز ۶۲۰۰۰ نفر برآورد شده است.

پس از به توپ بستن مجلس، سوسیال دموکراتهای روس به انقلابیون تبریز و نهضت شمال کمکهای مؤثری کردند. علاوه براین، بلشویکها به نهضت مشروطه، که آن را انقلاب بورژوازی ملی می‌دانستند، توجه بسیار می‌کردند و نین بخصوص به انقلاب ایران و ترکیه نظر داشت. در اوت ۱۹۰۸ وی در مقاله‌ای به نام (مطالب انفجارآمیز در سیاست جهان) خاطر نشان کرد که باید به تمامی نهضت‌های ملی در آسیا کمک کرد.

### حزب اجتماعیون عامیون در باکو

عده‌ای از رهبران حزب همت از جمله محمد امین رسولزاده و بویژه نریمان نریمانف حزبی به نام اجتماعیون عامیون در بین ایرانیان باکو در حدود سال ۱۹۰۵ م. تأسیس کردند از این حزب به نامهای سوسیال دموکرات یا مجاهد نیز یاد شده است؛ این حزب در اکثر شهرهای قفقاز شعبه داشت.

حیدر عموغلی در خاطراتش می‌نویسد که از طرف اجتماعیون عامیون باکو مأموریت داشته که در ایران حزبی تشکیل دهد و در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ (۱۹۰۲ تا ۱۹۰۷ م.) در مشهد بود. اما توانسته بود فقط یک عضو جذب کند. در هر حال مجلس دوم از این افکار متأثر می‌شود.

### احزاب در مجلس دوم:

۱- حزب اجتماعیون عامیون (دموکرات عامیون) در مجلس دوم که بیشتر به حزب سوسیال دموکرات باکو تاسی می‌جست، در قسمتی از مرامنامه خود به شکل محافظه کارانه تری، که با قوانین اسلام مغایر نباشد، چنین خاطر نشان می‌سازد:

۱- اجباری شدن خدمت نظام



۲- برتری مالیات مستقیم بر غیرمستقیم

۳- اصلاحات اراضی در بین کشاورزان

۴- جدایی دین از دولت

۵- همگانی کردن سواد و اجباری کردن آموزش

۶- کیفر دادن تمام مستبدان

روزنامه‌های ایران نو در تهران- شفق در تبریز و نوبهار در مشهد جزء ارگانهای چایی این حزب به شمار می‌آیند. از رهبران این حزب می‌توان تقی‌زاده، شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری، ملک‌الشعرا بهار، میرزا سلیمان خان میکده و محمد رضا مساوات را نام برد.

۲- حزب اعتدالیون (اجتماعیون عامیون): ارگان این حزب روزنامه‌ای به نام شورا بود و در مقابل حزب اجتماعیون عامیون قرار داشت.

اختلاف این دو حزب در روشهای سیاسی کم‌کم بالا گرفت و در نتیجه یکدیگر را به اتهامات جاسوس و مرتجع و... یاد می‌کردند. این اختلافات به درون جامعه نیز سرایت کرد و سرانجام یکی از افراد تحت نظر حیدر عمواغلی از وکلای اجتماعیون عامیون که هواخواه بلشویکها بود، سید عبدالله بهبهانی از وکلای اعتدالیون را ترور کرد و در تظاهراتی که علیه آنها برپا شد دو نفر از طرفداران اجتماعیون عامیون نیز کشته شدند، این وضع تا اولتیماتوم روسیه و بسته شدن مجلس ادامه داشت. تشتت احزاب در درون مجلس و نبود یک رهبری با ایدئولوژی قوی، شرایطی را بوجود آورد که وقتی مجلس دوم به کمک و پشتیبانی نیاز داشت، هیچ عاملی برای برانگیختن مردم در میان نبود. پس از آن نایب‌السلطنه ناصرالملک به پیروی از قدرتهای بزرگ به مدت سه سال، یعنی تا زمانی که احمد شاه به سن قانونی رسید، انتخابات را تجدید نکرد و تحرکات سیاسی نیز وضع مشوشی داشت.

مجلس سوم:

پس از تاجگذاری احمد شاه، مجلس سوم فوراً تشکیل شد. در این مجلس دموکرات عامیون با ۳۶ کرسی اکثریت را به دست آورد و اعتدالیون تنها ۲۴ کرسی را اشغال کردند. مشکل عمده احزاب در این دوران، نداشتن یک ایدئولوژی منسجم و عدم پایگاه مردمی و نیز وجود دولتهایی ضعیف بود که در نتیجه احزاب به سیاستهای خارجی وابستگی پیدا می‌کردند، همچون اجتماعیون عامیون

که علی‌رغم اینکه از جهت تفکر به سوسیال دموکراتهای قفقاز وابسته بود اما از لحاظ سیاسی به دلیل ترس از نفوذ روسیه تزاری، به انگلستان متمایل بود. انگلیس نیز کم و بیش از این حزب حمایت به عمل می‌آورد، اما گرایشها و مناسبات خود را در سطح بین‌المللی فدای این حمایتها نمی‌ساخت، چراکه در این زمان سیاستهای انگلیس و روسیه به علت ترس از پیشروی‌های آلمان به هم نزدیک شده بود. لذا چشم امید دموکراتها و سپس اعتدالیها به آلمان دوخته شد.

جنگ جهانی اول به مجلس سوم مجالی نداد تا از تجربیات سابق استفاده کند و به اصلاحات دست‌بزند؛ این بود که با حمله روسیه به قزوین از هم پاشیده شد. ثمره این تجاوز آشکار و سکوت دیگر قدرتها این بود که اعتدالیون و دموکراتهای مجلس، با هم به توافق برسند و برای دستیابی به یک پایگاه سیاسی جدید ابتدا به قم و سپس به کاشان هجرت کنند اما به دلیل نزدیک شدن قشون روسیه به کرمانشاه (باختران) عقب نشینی کردند.

در کرمانشاه شهید آیه‌الله مدرس، نظام‌السلطنه مافی و سلیمان میرزا، که رهبری جناحهای مختلفی را در مجلس دارا بودند، با هم ائتلاف کردند اما بواسطه ریشه‌ای نبودن، مدت آن کم بود. اعتدالیون طرفدار سیاست عثمانی و اجتماعیون به سیاستهای آلمان مایل بودند. با حمله روسیه به کرمانشاه و تلاشی حکومت آنجا، رهبران دو حزب از جمله طباطبایی از اعتدالیون و ملک‌الشعرا بهار و سلیمان میرزا از رهبران اجتماعیون تصمیم گرفتند برای مصالح کشور هر دو حزب را منحل اعلام کنند.

ناگفته نماند در مجلس سوم، دو حزب کم‌اهمیت‌ترین حضور داشتند یکی حزب اتفاق و ترقی و دیگر حزب طرفدار حرکت استقلال طلبانه آرامنه روسیه به نام داشناک سوتیون (پیرم خان از سران این حزب بود)

## احزاب در مجلس چهارم

تا قبل از کابینه و ثوق‌الدوله، انتخابات تهران و دو یا سه محل دیگر آزادانه انجام پذیرفت اما در زمان وی که عاقد قرار داد سرتاسر استعماری ۱۹۱۹ با انگلستان بود، باید نمایندگان از صندوق بیرون می‌آمدند که به رأی ایشان اعتمادی باشد، لذا دخالتها شروع شد. البته با فشار افکار عمومی و مطبوعات که نمایندگان را نماینده‌های قرار داد می‌نامیدند و همچنین مخالفت‌های دولتهای متفقین (امریکا، فرانسه و روسیه)، رد قرار داد از اولین اقدامات مجلس گردید.

مجلس چهارم با تعداد ۱۰۶ نماینده در تیر ماه ۱۳۰۰ ه. ش. (۱۹۲۲ م.) با طرز انتخاب یکدرجه‌ای و مستقیم‌گشایش یافت و تا خرداد ۱۳۰۲ ه. ش. (۱۹۲۴ م.) ادامه یافت.<sup>۲</sup> همانطور که خواهید دید، در مجلس چهارم به واسطه تقارن انتخابات با روی کار آمدن رضاخان، حرکت گروه‌های سیاسی (که به تدریج به ایجاد و یا تجربه تفکرات سیاسی نائل می‌شدند) به بن بست رسید و تمامی تلاشها در محدوده حفظ وضع موجود و جلوگیری از رشد فزاینده رضاخان در صحنه قدرت سیاسی خلاصه گشت.

در این مجلس به دوگرایش عمده بر می‌خوریم: ۱- اقلیت به رهبری شهید مدرس. ۲- اکثریت به رهبری سلیمان میرزا.

دموکراتها در این مجلس وضع آشفته‌ای داشتند عده‌ای از ایشان دور وثوق‌الدوله را به امید ایجاد اصلاحات در کشور گرفتند و عده‌ای دیگر تحت لوای سید محمد کمره‌ای از دموکراتها منشعب شده، با عنوان تشکیلات ضد تشکیلی دموکراتها دور هم گرد آمدند و همین تفرقه عامل از هم پاشیدن دموکراتها گردید. روزنامه ضد تشکیلی‌ها ستاره ایران بود.

دموکراتها نیز روزنامه‌هایی از جمله روزنامه زبان آزاد و نوبهار را در اختیار داشتند. این هرج و مرج و عدم وحدت کلمه در مقابل ابر قدرتها و سوء جریان داخلی زمینه ایجاد استبداد رضاخانی را بوجود آورد و این ثمره حزب بازی‌ها و گروهگرایی‌های عده‌ای از روشنفکران و وکلای غافل از سیاست‌های روز و بریده از مردم بود.

## فعالیت‌های سیاسی در دوران رضاخان

ملک الشعراى بهار در کتاب تاریخ احزاب سیاسى درباره وضعیت متشتت احزاب سیاسى واستفاده رضاخان، که بعد از کودتای ۱۲۹۹ ه. ش. (۱۹۲۱ م.) با حمایت مستقیم افسران انگلیسى انشقاقى در توزیع قدرت بوجود آورده و به تازگی وزیر جنگ شده بود، می‌نویسد:

« وزیر جنگ در تمام مدت دوره مجلس چهارم، در هیأت‌های دولت داخل بود. اما به امور سیاسى و اکثریت و اقلیت توجهی نداشت. زیرا او کارهای دیگری داشت که باید انجام دهد. او سرباز درست می‌کرد، اسلحه راه می‌انداخت. از خراسان، از گیلان، از این طرف، از آن طرف، هر چه تفنگ پیدا می‌کرد به دوش سربازان خود می‌انداخت. در

ایالات، مراکز مقتدری از امیر لشگرها و صاحب منصبهای تازه و کهنه تشکیل داده و مشغول مطالعه و تدارک نقشه بزرگ خود بود. تنها سعی داشت که در جراید از او بد نگویند.»

بهار علت خود کامگی و سوء استفاده سیاسی را که زمینه یک حکومت مستبد است چنین شرح

می دهد:

«در آن روزها (اواخر دوران مجلس چهارم) جمهوری طلبی گل کرده بود. مردم از وضع قدیم خسته شده بودند. رجال سیاست نمی توانستند شغای عاجلی برای التیام دردهای سی ساله مردم پیدا کنند. اختلاف و خود خواهی سیاسیون و احزاب هم مانع بود که يك دولت از همان دولتها دوام کند و اصلاحاتی را که شروع کرده است به پایان برد.

بعضی از رجال کم کار و مهمل بودند، بعضی وجاهت زیاد نداشتند. بعضی با خارجیان نمی توانستند درست کنار بیایند هر چه بود، به هر تقریب هر سه ماه به سه ماه، یکی می آمد و یکی می رفت. و هتاکي جراید نیز بر عداوتها و بغضها می افزود. خلاصه، اعصاب خسته و فرسوده و مرض عصبی شدیدی همه را از پا در آورده بود و معلوم نبود دعوا بر سر چیست. کمال مطلوب همه، پیدا شدن دولت فعال و با دوامی بود که با صلاحیت و پاکدامنی و جرأت بیابد و شروع به اصلاحات کند و نظم و نسقی به کارها بدهد و از هرج و مرج جلوگیری کند.»

رضاخان به شرحی که در کتابهای تاریخ معاصر ثبت شده است، با تصاحب پله های بعدی قدرت به مرکز حکومت و زمامداری ایران نزدیک می شد و دولت های مستعجل این دوران را یکی پس از دیگری ساقط کرد. وی نه تنها در انتخابات آشکارا دخالت می کرد بلکه با سرکوب مطبوعات، و فعالیت های سیاسی در سطح جامعه، رابطه احزاب درون مجلس را بکلی با بیرون قطع نمود و لذا گرایشهای سیاسی مجلس در قالب فراکسیون (گروهگرایی پارلمانی) محدود گشت. در انتخابات دوره پنجم و ششم هم، غیر از تهران (تا حدودی)، دیگر شهرها از نفوذ دولت و امرای نظامی اش در ولایات، مصون نماندند.

## مجلس پنجم با سه فراکسیون فعال روبرو بود

۱- دسته سید محمد بیرجندی معروف به تدین، که به اسم فراکسیون تجدد نامیده شد وعده آن به حدود ۴۰ نفر می‌رسید.

۲- سوسیال دموکراتها به رهبری شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری، شمار این عده به ۱۵ نفر می‌رسید. این دسته عمدتاً از پس مانده‌های حزب دموکرات عامیون بودند و براساس ایده‌های مارکسیستی از حکومت رضاخان جانبداری می‌کردند. دوگروه فوق قبلاً همه‌گونه قول مساعدت به رضاخان داده بودند و با نوای جمهوری خواهی او همصدا بودند.

۳- فراکسیون اقلیت به رهبری شهید آیه‌الله سید حسن مدرس و دوستانشان از قبیل سید حسن زعیم کاشانی - حائری زاده - یزدی، ملک الشعراى بهار و

طرفداران جمهوری از همان آغاز مجلس پنجم، که با نوروز در سال ۱۳۰۳ ه. ش. (۱۹۲۵ م.) فاصله‌ای نداشت، به تکاپو افتادند (و با جراید خود مانند ایران، ستاره ایران، تجدد، میهن، ناهید، وطن، کوشش، گلشن و... به نفع رضاخان و علیه قاجاریه تبلیغ می‌کردند) و حتی مقداری سکه‌های طلا و نقره به نام جمهوری که قبلاً ضرب شده بود تهیه و تدارک دیده بودند اما شهید مدرس و یارانش در جهت جلوگیری از این وضع، در تاخیر تصویب اعتبار نامه بعضی از وکلا تا عید نوروز تلاش کردند تا این نقشه اجرا نشود.

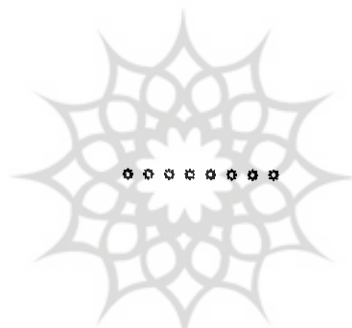
لذا پس از جلسه سوم مجلس، دکتر حسین بهرامی (احیاء السلطنة) موقع را غنیمت شمرده به تحریک تدین، سیلی محکمی به شهید مدرس زد که همچون رعد در تهران و اطراف پیچید و همین امر باعث تظاهرات مردم به طرف مجلس و شعار برضد جمهوری گردید و افکار جمهوری خواهی عقیم ماند.

بعد از خلع سلطنت قاجار و تثبیت حکومت رضاخان، مابقی تحرکات سیاسی در کشور نیز سرکوب شد و برای کانالیزه کردن افکار طبقه روشنفکر نیز سازمانی بنام پرورش افکار بوجود آورد تا نظرات و اندیشه‌ها را هم، در حصار اهداف و افکار خود مهار کند.

م رضاخان حتی به احزاب چپ که با حمایتشان در روی کار آمدن او مؤثر بودند رحم نکرد و با تغییر موضع سیاسی و تصویب قوانین ضد کمونیستی مجلس در ۱۳۱۰ ه. ش. (۱۹۳۲ م.) به دستگیری رهبران حزب کمونیست پرداخت.<sup>۲</sup>

در پیروی مجلس از رضاخان گفته شده: معروف است وقتی لایحه‌ای مورد بحث یارد واقع می‌شد، به محض اینکه وزیر پیشنهاد کننده می‌گفت «این لایحه بانظر رئیس دولت تنظیم شده» لایحه مزبور تصویب می‌شد.<sup>۲</sup> بعدها رضاخان برای اطمینان بیشتر، نمایندگان منتخب خود را روزهای دوشنبه رخصت شرفیابی به پیش‌گاه ملوکانه می‌داد تا اشاراتش بهتر به هدف بنشیند و نسبت به مسائل درجه دوم از لحاظ اهمیت نیز (چنانچه غیر از مسائل مالی بود) سرتیپ درگاهی رئیس نظمی در مجلس حضور می‌یافت و راجع به مسائل مالی نیز دکتر میلیسپو یا یکی دیگر از مستشاران آمریکایی حاضر می‌شد. همانطور که ملاحظه گردید متأسفانه به واسطه دلایل متعدد داخلی و خارجی که برخی از آن‌ها در نوشته ملک الشعرای بهار آمده بود، اندیشه و رهیافت سیاسی متشکلی تا آن زمان امکان بروز پیدا نکرد و از این تاریخ (۱۲۹۹) تا ۲۰ سال بعد (سقوط رضاخان) و جنگ جهانی دوم، هرگونه تحرک سیاسی به شدت سرکوب می‌شد.

والسلام.



## یادداشتها:

- ۱- پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، ص ۶۲.
- ۲- تاریخ احزاب سیاسی جلد دوم.
- ۳- در اوایل جنگ جهانی اول (۱۲۹۳ ه. ش. / ۱۹۱۴ م.) توسط گروهی از اجتماعيون عاميون باکو، حزبی به نام عدالت در شمال کشور تشکیل شد با پیروزی بلشویکها در اکتبر ۱۹۱۷ م. (۱۲۹۷ ه. ش.) و حمایت بی دریغ آنها از احزاب کمونیستی دیگر کشورها، این حزب در مرداد ۱۲۹۹ ه. ش. (۱۹۲۰ م.) بر اساس دستور کمیترین (کنگره اول احزاب کمونیست) به حزب کمونیست ایران تغییر نام یافت. در سال ۱۳۱۶ ه. ش. (۱۹۳۸ م.) بر اساس قانون ضد کمونیستی ۱۳۱۰ ه. ش. (۱۹۳۲ م.) تقی ارانی و همفکرانش دستگیر و زندانی شدند، که بعد از سقوط رضاخان در ۱۳۲۰ ه. ش. (۱۹۴۲ م.) بقیه این عده به تشکیل حزب توده موفق شدند.
- ۴- سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، حسین کی استوان.

## منابع و مأخذ:

- ۱ - انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت، نوشته و ترجمه اسماعیل راثین، چاپ دوم ۱۳۵۵، انتشارات جاویدان (این کتاب در اصل توسط خانم لمیتون به نگارش در آمده است).
- ۲ - پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی) نوشته منصوره اتحادیه (نظام مافی) چاپ اول ۱۳۶۱، نشر گسترده.
- ۳ - سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، حسین کی استوان (مدیر روزنامه ظفر)، جلد اول ۱۳۲۷، نشر روزنامه ظفر.
- ۴ - تاریخ احزاب سیاسی، ملک الشعرای بهار، جلد اول و دوم.
- ۵ - تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، جلد دوم.
- ۶ - تاریخ معاصر ایران، دکتر جلال‌الدین مدنی، جلد اول.
- ۷ - جامعه‌شناسی غربگرایی، علی محمد نقوی، انتشارات امیرکبیر.
- ۸ - فراموشخانه و فراماسونری در ایران، اسماعیل راثین، جلد ۱، ۱۳۴۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی